

واکاوی عوامل فرهنگی موثر بر وقوع طلاق با کاربری روش Q

غلامرضا تاج‌بخش*

چکیده

فرهنگ جامعه، شکل‌دهنده پیکره آن و مشخص‌کننده و تنظیم‌کننده ارزش‌ها، باورها و رفتارهای مردم جامعه است. در رابطه با طلاق و عوامل زمینه‌ساز آن نیز، متغیرهای فرهنگی به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم، در افزایش یا کاهش میزان آن اثرگذار هستند. پژوهش حاضر در راستای حفظ ثبات و استحکام نهاد خانواده و با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل فرهنگی موثر بر وقوع طلاق در شهرستان بروجرد انجام شده است. نمونه آماری شامل ۴۰ نفر از صاحب‌نظران و فعالان حوزه طلاق می‌باشد، روش تحقیق، کیو (Q)، و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه پژوهشگرساخته (پرسشنامه کیو (Q)) می‌باشد. عامل دامن‌زدن خانواده‌ها و اطرافیان به اختلافات، عامل عادی بودن موضوع طلاق و عامل تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی به ترتیب بیشترین درصد و عامل تعصبات قومی، عامل حمایت بیش از اندازه و بیجای خانواده و عامل نداشتن یا محدود کردن رفت و آمد با اطرافیان به ترتیب پایین‌ترین درصد از عوامل وقوع پدیده طلاق در شهرستان بروجرد را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به یافته‌های تحقیق ضرورت دارد حساسیت عمومی جامعه و آگاهی بخشی آنها را بالا برد و در این راستا هم‌افزایی هماهنگ و مکمل همه سازمان‌ها و ارگان‌ها و افراد جامعه برای کاهش نرخ طلاق صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: طلاق، عوامل فرهنگی، خانواده، آسیب اجتماعی

* دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)، Tajbakhsh@abru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه و بیان مسئله

خانواده کوچک‌ترین و نخستین واحد اجتماعی است که کارکردهای زیستی، تربیتی، فرهنگی و غیره آن، از یک سو منجر به سلامت جسم و روان اعضای خود شده و از سوی دیگر سلامت و پایداری آن بقای جامعه را در پی دارد. اگر چه ازدواج بعنوان نقطه آغاز تشکیل خانواده، زمینه پیوند دختر و پسر را فراهم نموده و موجب تثبیت و انتقال و استمرار فرهنگ جامعه از نسلی به نسل دیگر می‌شود، با این حال برخی خانواده‌ها قادر به هدایت کنش‌های متقابل اعضای خود به سمت هدفی مشخص نبوده و در این وضعیت مشاجرات و اختلافات خانوادگی منجر به گسست و فروپاشی پیوند ازدواج و وقوع پدیده طلاق می‌شود و این آسیب، آثار مخربی در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی برجای می‌گذارد. نهاد خانواده مانند هر نهاد دیگر در جریان دگرگونی‌های اجتماعی دست‌خوش تغییر و تحول می‌گردد و در این بین، تمایلات، تصمیمها و نظام ارزشی زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهد. عواملی همچون تغییر نگرش‌ها نسبت به ازدواج، قبح‌زدایی از طلاق، تغییر ساختار خانواده، کم‌رنگ شدن اعتقادات مذهبی، تغییرات جمعیتی و... در رشد بی‌سابقه طلاق اثرگذار هستند. مسئله مهم‌تر از خود طلاق، آسیب‌های پساطلاق نظیر فرزندان طلاق، اعتیاد، بزهکاری، بی‌بندوباری اخلاقی و... است که جامعه را با مسائل اجتماعی متعددی روبرو می‌نماید.

طلاق در لغت، به معنای رها کردن و آزاد کردن (گواهی، ۱۳۷۳: ۸۴) و مطابق ماده ۱۱۳۹ قانون مدنی امروز ایران، طلاق عبارت است از انحلال دائم با شرایط و تشریفات خاصی از جانب مرد یا نماینده او. طلاق یک معضل اجتماعی است که زندگی افراد درگیر را شدیداً تحت تاثیر قرار می‌دهد. طلاق نه تنها سبب گسیختن پیوندهای زناشویی می‌شود، بلکه غالباً سبب ازهم‌پاشیدگی و آسیب دیدگی روابط بین والدین و کودک نیز می‌گردد (هزینگتون، ۱۹۸۹؛ مختاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۲). طلاق، هم‌چنین در بردارنده هزینه‌های انسانی اجتماعی و اقتصادی عظیمی است که با عدم سلامت، اختلال عاطفی، اعتیاد و فقر خانوادگی رابطه دارد (برناردز، ۱۳۸۴: ۳۲۴).

یکی از با اهمیت‌ترین عناصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. فرهنگ عصاره حیات اجتماعی است که تمامی افکار، اندیشه‌ها، هنجارها، ارزشها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی در آن منعکس می‌شود. بروس کوئن

واکاوی عوامل فرهنگی موثر بر وقوع طلاق با ... (غلامرضا تاج‌بخش) ۳

عناصر فرهنگی را شامل سه عنصر مادی، شناختی و قواعد اساسی می‌داند. جنبه مادی (فنی فرهنگ) شامل مهارت‌های فنی، هنرها، وسایل و اشیای مادی مورد استفاده اعضای جامعه و جنبه شناختی، باورها، اسطوره‌ها، ایدئولوژی‌ها، ارزشها، دانش‌ها؛ و قواعد اساسی شامل شیوه‌های زندگی مردم، آداب و رسوم، قوانین و مقررات، نظام‌ها و آئین‌نامه‌ها که مورد پیروی مردم آن جامعه است (کوئن، ۱۳۹۵: ۷۲). از منظر لسلی وایت هر ساختار فرهنگی متشکل از چهار عنصر صنعتی (فناوری)، اجتماعی (ادب و رسوم، نهادها، قواعد و الگوهای رفتاری افراد با یکدیگر)، عقیدتی (باورداشته‌ها) و نگرشی (احساسات یا طرز فکری برای ابراز وجود) می‌داند. به دلیل اهمیت فرهنگ و نقش اساسی آن در بسترسازی زندگی اجتماعی و طرز تفکر، شیوه و سبک زندگی افراد به نظر می‌رسد در میان عوامل متعدد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و روانی که در بالارفتن نرخ طلاق اثر گذار هستند، می‌توان از عوامل فرهنگی بعنوان پنهان‌ترین، اساس‌ترین و ریشه‌ای‌ترین عوامل زمینه‌ساز این پدیده نام برد. عوامل فرهنگی به طور مستقیم و غیرمستقیم در پیدایش و افزایش نرخ طلاق تأثیر شایانی دارند که همواره نقش این عوامل تعیین‌کننده مورد غفلت واقع می‌شود. عوامل فرهنگی نظیر تقابل ارزش‌های سنتی و مدرن، ضعف باورها و مناسک دینی و... در نهاد خانواده منجر به تضعیف کارکردهای آن و در نهایت گسست و فروپاشی خانواده می‌شود. بدون شک عناصری همچون دین به‌عنوان یک نهاد مهم پاسدار و محافظت‌کننده سنت، نقش اساسی در پاسداری، حفظ و حراست از نهاد خانواده بر عهده داشته و هنوز هم دارد.

پدیده طلاق پدیده‌ای چند بعدی و جهانشمول بوده و در سرتاسر کره‌خاکی از جمله ایران آمار آن روند فزاینده رسمی ارائه شده از سوی دادگستری استان لرستان، آمار طلاق در شهرستان بروجرد دارد. مطابق برآمار ارائه شده توسط سازمان ثبت احوال کشور، تعداد رویدادهای طلاق ثبت شده در سال گذشته با ۶.۳ درصد افزایش نسبت به سال ۹۸ از ۱۷۶ هزار و ۸۱۴ به ۱۸۳ هزار و ۱۹۳ رویداد طلاق در سال ۹۹ رسیده است. در همین راستا آمار طلاق در لرستان نیز روند افزایشی داشته و در سال ۱۳۹۸، ۳۸۳۰ مورد طلاق در این استان به ثبت رسیده است و رتبه هجدهم را در کشور به خود اختصاص داده است (سالنامه آماری ایران، ۱۴۰۰). براساس آمار سه برابر خرم‌آباد بعنوان مرکز استان است و شهرهای دورود و کوههدشت پس از بروجرد در صدر آمار طلاق استان لرستان قرار دارند. نکته قابل توجه این است که آمار طلاق در بروجرد نسبت به دورود و کوههدشت دو برابر و

نسبت به نورآباد چهار برابر است. بر این مبنا در شهرستان بروجرد، در سال ۱۳۹۸، ۶۳۲ فقره طلاق، رخ داده که این آمار بیانگر افزایش ۹ درصدی طلاق در سطح شهرستان نسبت به سال گذشته است (خبرنامه دادگستری لرستان، ۱۳۹۸). از اینرو هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و اولویت‌بندی عوامل فرهنگی موثر بر وقوع پدیده طلاق در شهرستان بروجرد می‌باشد. همچنین پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این سوال اصلی است که از دیدگاه صاحب نظران و کارشناسان حوزه آسیب‌های اجتماعی، چه عوامل فرهنگی در شهرستان بروجرد بر وقوع پدیده طلاق تاثیرگذار بوده و اولویت‌بندی این عوامل به چه صورتی است؟

۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

الف) حوزه عام

از جمله مشکلات مهمی که در عصر حاضر، دامنگیر جامعه شده است افزایش نرخ طلاق است که به صورت پدیده اجتماعی و معضل آفرین و آسیب‌زایی جلوه گر شده و نهاد خانواده را در قرن حاضر تهدید می‌کند. طلاق نه تنها به دلیل اثرات سوئی که بر فرد دارد بلکه به دلیل پیامدهای مخرب و ویرانگر آن برای خانواده و جامعه به یک مسئله اجتماعی مهم و خطرناک تبدیل شده است.

طلاق با پدید آمدن شرایط آسیب‌زایی نظیر اختلال و فروپاشی کانون خانواده باعث کاهش سرمایه اجتماعی و شکل‌گیری دشواریها، مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌گردد. تاثیر گذاری طلاق بر زوجین و حتی اطرافیان و وابستگان آنان، می‌تواند زمینه‌ی شکل‌گیری آسیب‌ها و جرایم گوناگون دیگر را فراهم آورند. رابطه طلاق با خانواده ارتباطی دو جانبه است؛ از یک‌سو طلاق، خانواده را به رکود و انحطاط می‌کشاند و از سوی دیگر پدیده‌ای است که ریشه در ساختار درونی خانواده و عوامل موثر بیرونی دارد.

ب) حوزه خاص

شهرستان بروجرد رتبه نخست استان لرستان را در طلاق به خود اختصاص داده است و شاهد روند فزاینده از هم گسیختگی نهاد خانواده و طلاق می باشد. علیرغم اهمیت و حساسیت این مسئله و نیز علیرغم پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و..... آن متأسفانه تا کنون پژوهشی روشمند و دقیق در زمینه واکاوی مولفه های فرهنگی موثر بر طلاق انجام نگرفته است و یا نتایج آن هنوز منتشر نشده است. بر این مبنا این ضعف پژوهشی به یک خلاء عمده در این زمینه تبدیل شده و سوالاتی جدی پیرامون نقش و جایگاه عوامل فرهنگی موثر بر طلاق مطرح کرده است. بنابراین با توجه به روند روبه افزایش طلاق در این شهر، ضرورت دارد با انجام مطالعات و پژوهش های فراوان، آثار مخرب و تهدید کننده ی این پدیده بویژه عوامل فرهنگی بررسی شوند،

از این رو مطالعاتی از این نوع می تواند از یک سو از لحاظ نظری به تبیین عوامل فرهنگی زمینه ساز شکل گیری وقوع طلاق بپردازد و از سوی دیگر از لحاظ کاربردی نیز، راهکارهایی برای جلوگیری از افزایش آن ارائه دهد. بطور کلی پژوهش حاضر درصدد است تا با شناخت بیشتر پدیده مورد بحث، زمینه شناخت فنی و علمی و گسترده آن را فراهم آورده و و به ارتقای فرهنگ جامعه در زمینه فرهنگ زناشویی و همچنین برای تدوین برنامه های اجتماعی مناسب در جهت سالم سازی محیط و جلوگیری از پیامدها و آثار زیان بار طلاق یاری رساند.

۳. پیشینه تجربی تحقیق

یافته های تحقیق تاج بخش (۱۳۹۹) با عنوان بررسی عوامل فردی موثر بر طلاق نشان داد از دیدگاه متخصصان و صاحب نظران اولین عامل تاثیرگذار در ارتباط با وقوع پدیده طلاق، عامل عدم پابندی به تعهدات زناشویی با میانگین ۱۶/۰۱ درصد می باشد. عامل عدم اطلاع از آسیب های ناشی از طلاق با میانگین ۱۵/۵۶ و عامل نا آگاهی و کمبود مهارت های عاطفی و ابراز علاقه (مهارت های ارتباطی) با میانگین ۱۴/۹۱ پس از آن در درجه دوم و سوم اهمیت قرار می گیرند. همچنین عامل نقص جسمانی یا ظاهری زن یا مرد با میانگین ۶/۱۰ عامل طلاق برنامه ریزی شده، ازدواج به قصد طلاق (از هر نوع ممکن) با

میانگین ۷/۱۱ و عامل بی‌احترامی به خانواده همسر با میانگین ۸/۴۰ به ترتیب پایین‌ترین درصد از عوامل وقوع پدیده طلاق در شهرستان بروجرد را به خود اختصاص داده‌اند.

بهرامی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با هدف مطالعه کیفی طلاق توافقی به روش تحلیل مضمون بیانگر وجود دو عامل اصلی در گرایش به طلاق توافقی بود. این عوامل درونی و بیرونی شامل مواردی همچون مضمون‌های آمادگی برای ازدواج، سلامت روان، روابط زناشویی نامطلوب و آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. روشنی و همکاران (۱۳۹۸) در فراتحلیل پژوهش‌های طلاق در ایران در دو دهه اخیر (۱۳۷۷-۱۳۹۷) نشان دادند که عوامل طلاق را بر اساس منشا عوامل می‌توان در چهار دسته همسرگزینی نادرست، نقص دانش و مهارت همسران، عملکرد نامطلوب همسران و شرایط اقتصادی نامطلوب قرار داد.

یافته‌های پژوهش عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان تحلیلی از مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی مرتبط با طلاق در ایران بیانگر آن است که روند رو به رشد طلاق در طی سالیان اخیر حقیقتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. نرخ طلاق در میان ساکنان شهر بیش از روستا بوده و بیشتر طلاق‌ها در سال‌های ابتدایی ازدواج افتاده است. فیروزجائیان گلوگاه و همکاران (۱۳۹۷) در فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در ایران نتایج بیانگر آن است که عوامل مداخله‌اقوام و اطرافیان، اعتیاد، تفاوت ارزش‌ها، عدم تفاهم، عوامل بیکاری و مشکل امرار معاش دارای بیشترین فراوانی هستند. نتایج پژوهش عباسی و محمدی (۱۳۹۷) با عنوان بررسی علل طلاق و رابطه آن با امنیت اجتماعی نشان داد بیشترین عامل زمینه‌ساز طلاق، عوامل شخصیتی است که بیش‌تر از عوامل دیگر تاثیرگذار می‌باشد.

پژوهش‌های ریجاوک کلوبکار و سیمونیک (۲۰۱۸) نشان دادند مهم‌ترین عوامل طلاق در شش طبقه قرار می‌گیرند این عوامل شامل فقدان سازگاری و حل تعارض در روابط میان‌فردی، الگوهای رفتاری ناشی از خانواده اصلی، رفتارها و عادات قبل از ازدواج، غیبت طولانی در زندگی مشترک، وضعیت نامناسب اجتماعی اقتصادی خانواده و شکاف‌های بین نسلی میان زوجین میشود. یافته‌های پژوهش آپوستولو و همکاران (۲۰۱۶) بیانگر آن است که عواملی نظیر نارضایتی از زندگی، خشونت زوجین، نداشتن فرزند (نازایی زوجین) و عدم رضایت از فرزندان در وقوع طلاق موثرند. آقاجانیان و تامسون (۲۰۱۴) با استفاده از داده‌های ثبت‌احوال، روند و میزان بی‌سابقه طلاق را در ایران گزارش نموده‌اند. براساس

واکاوی عوامل فرهنگی موثر بر وقوع طلاق با ... (غلامرضا تاج‌بخش) ۷

یافته‌های این پژوهش، میزان طلاق برخلاف قرن بیستم، بیش از پیش افزایش داشته است. تغییر جامعه به سمت فردگرایی و خودتحقیقی به رفتارهایی نظیر تأخر سن ازدواج، فرزندآوری کمتر و همچنین، انحلال ازدواج بیشتر می‌انجامد. تغییرات رخ داده در این حوزه‌ها و نیز، تغییراتی در اهداف تحصیلی و شغلی احتمالاً حرکتی را به جانب فردگرایی و مدرنیته فرهنگی گسترش می‌دهد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از پیشینه‌های داخلی و خارجی ذکر شده در مقاله حاضر حکایت از فقدان پژوهشی مستقل و مستقیم مرتبط با اهداف، روش و ساختار این تحقیق دارد. در نتیجه اهمیت این پژوهش در آن است که با رویکرد کیفی و بطور ویژه به این موضوع مهم در میدان وسیع تحقیق می‌پردازد.

۴. چهارچوب مفهومی پژوهش

فرانسیس فوکویاما بر این باور است که فردگرایی آیین یا اصول اخلاقی است که منافع و علائق فرد را برتر از جمع می‌شمارد. فردگرایی احساسی است که هر عضو جامعه از خانواده و دوستان خویش کنار می‌کشد و نوع معینی از جامعه را تشکیل می‌دهد که در آن احترام اندکی به ستنها گزارده می‌شود. فردگرایان به لحاظ عاطفی جدا از درون‌گروه‌های خود هستند و با اتکای به خود، استقلال، لذت و تعقیب خوشبختی تأکید می‌کنند. از نظر فوکویاما، فردگرایی یکی از عوامل بی‌مسئولیتی و بی‌تعهدی والدین است که در درجه نخست به فروپاشی خانواده و در درجه دوم به تضعیف سرمایه اجتماعی منجر می‌شود (سمیعی، ۱۳۹۸: ۱۵۷). بر اساس نظریه تعارض، نظر به اینکه اعضای خانواده اهداف و ارزش‌های مختلفی دارند که به تعارض منجر می‌شود. به عبارت دیگر مسئله طلاق، از این منظر ریشه در تضاد ارزش‌ها دارد. رقابت و انواع خاص برخورد بین زوجین، شرایط زمینه‌ساز این گونه تضادها هستند که معمولاً اجتناب‌ناپذیر، فرساینده و پرهزینه‌اند (وایت و کلین، ۲۰۲۰). نظریه پردازان تعارض بر این عقیده هستند که تمام تصمیمات خانواده به نفع همه اعضای خانواده نبوده و ممکن است به نفع یک عضو از خانواده و ضرر عضو دیگر باشد. نظریه همسان‌همسری، استحکام و دوام خانواده را ناشی از ویژگی‌های همسان و مشابه میان زن و شوهر می‌داند. همسانی و مشابهت دو فرد، از یک سو منجر به جذب آن‌ها به سوی یکدیگر شده و از سوی دیگر پیوند و وصلت بین آنها را

استوار می‌سازد. به سخن دیگر ناهمسانی میان آنها سرچشمه اختلاف و کشمکش‌های خانوادگی می‌شود.

مطابق بر نظریه نوسازی، کشورها در فرآیند نوسازی دچار تغییرات عمده فرهنگی می‌شوند که نتیجه گذار از نظم کهن و سنتی به نظم جدید و مدرن است. در فرآیند نوسازی در بین عوامل هم بسته اجتماع کهن، گسستگی و تضعیف به وجود می‌آید. از نگاه لوزیک این شرایط باعث تغییر در ایده‌ها و ارزش‌های افراد در جهت استیلای سکولاریسم، مادی‌گرایی و فردگرایی می‌شود و در نتیجه، فضای فرهنگی از خانواده محوری به سوی فردمحوری و ازدواج، از حالت نهاد محور به رابطه محور تغییر می‌نماید و خانواده در تغییرات ساختاری و فرهنگی و در گذر جامعه از نظم سنتی به نظم مدرن، دچار تغییرات چشم‌گیری می‌شود، در این مسیر ناهماهنگی و عدم سازگاری فرد و نظام‌های اجتماعی با شرایط در حال تغییر، زمینه‌ساز مسائل اجتماعی متعددی در حیطه نهاد خانواده می‌شود. در همین راستا، افزایش طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی و نتایج مترتب بر آن، قابل تأمل و بررسی است. (لوزیک، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۵).

رویکرد تغییر ایده‌ای و ارزشی بر ماهیت نو و ابداعی بودن ایده‌ها و نگرش‌ها و تغییرات فرهنگی و ارزشی جامعه تأکید دارد. در این دیدگاه آموزش عمومی و نیز رسانه‌های جمعی در بسط و گسترش ایده‌ها و ارزش‌های غربی بر جوامع دیگر در دو سطح فردی و اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌نمایند. بنابراین با روند رو به رشد نوگرایی و تغییرات بنیادین در نظام ارزشی این جوامع مانند افزایش میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، افزایش سطح تحصیلات زنان و حضور فعال این قشر در حوزه عمومی، کاهش میل به فرزندآوری، کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و باورهای دینی خانواده‌ها، تغییر در نگرش‌های جنسیتی شاهد افزایش فردگرایی افراطی، روابط فرا زناشویی، طلاق، بالارفتن سن ازدواج و ... در این جوامع خواهیم بود.

از نظر صاحب‌نظران مکتب کارکردگرایی، خانواده نهادی است که بقای آن وابسته به وظایف کارکردهایی است که بر عهده دارد. بر اساس این دیدگاه مهم‌ترین وظیفه و کارکرد خانواده، اجتماعی کردن اولیه افراد و آماده کردن آنان برای پذیرش قواعد زندگی اجتماعی است. علاوه بر این، نهاد خانواده تاکنون تأمین برخی از اولیه‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای اعضا از قبیل نیازهای عاطفی، تغذیه، نیازهای جنسی و حمایت و پشتیبانی را

واکاوی عوامل فرهنگی موثر بر وقوع طلاق با ... (غلامرضا تاجبخش) ۹

برعهده داشته است. پارسونز یکی از کارکردگرایان بر این باور است که زنان نقش (عاطفی) در خانواده ایفا می‌کنند، آنها مطیع، شاد، با محبت، و احساساتی هستند. از سوی دیگر مردان باید نقش «نان‌آور» را داشته باشند و کسب درآمد چرخه‌های اقتصاد خانواده را به حرکت در آورند. او نه تنها نقش زنان را در عصر حاضر، اساسی و ضروری می‌داند. بلکه هشدار می‌دهد هر تغییری در این نقش‌ها با خطرات زیادی همراه خواهد بود. البته احتمال می‌رود که زنان الگوهای مردانه را به منظور احراز شغل در رقابت مستقیم با مردان طبقه خود، دنبال کنند. اما این نکته نیز قابل ذکر است که علی‌رغم پیشرفتی که در آزادسازی زنان از الگوی سنتی خانوادگی صورت گرفته است، فقط گروه کمی از آنان در این جهت پیش رفته‌اند. البته روشن است که موقعی می‌توان این امر را کلیت بخشید که در ساخت خانواده تغییراتی اساسی به وجود آید. اعطای فرصت برابر به هر دو جنس با انسجام مثبت خانواده ناسازگار است (شرمن و وود، ۱۳۶۶:۱۳).

دیدگاه تضاد ارزشها بر این عقیده است که در جوامعی که در حال انتقال از وضع فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند، مشکلاتی پدید می‌آید که نتیجه تضاد نوگرایی و پابندی به سنت‌های دیرین و تشدید تخاصم بین نسل‌هاست. در این مرحلهٔ برزخی و حساس، عناصر اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی بیش از هر چیز دیگر، تغییر وضع و موضع می‌دهند. بسیاری از موضوعات بی‌ارزش دیروز، در محدودهٔ عناصر نوین و مقبول امروزی پای می‌نهند و بسیاری از عناصر مطلوب اجتماعی، از قلمرو ارزش‌های اجتماعی خارج می‌شوند. هر چقدر این تحول سریع باشد، تضاد و جابه‌جایی ارزش‌ها چشم‌گیرتر خواهد بود. در چنین شرایطی، نیروهای حاکم بر جامعه جای خود را به نیروهای تازه می‌سپارند و نظام ارزش‌های جامعه دست‌خوش آشوب می‌گردد. بازتاب این وضعیت را می‌توان در نظام ارزش‌های خانواده مشاهده نمود، ولی از آنجا که سرعت حرکت هر فرهنگ با حرکت اقتصادی و نوآوری‌های تکنولوژی یکسان نیست، نسل‌هایی که در معرض چنین تحولات سریع اجتماعی قرار می‌گیرند، نمی‌توانند معیارهای همه‌پسندی برای وظیفه، فداکاری و ارزش‌های همانند آن داشته باشند. در این احوال، کشمکش درون خانواده ایجاد می‌شود و نابسامانی خانواده و طلاق افزایش می‌یابد (مساواتی، ۱۳۷۴، ۲۸۱).

در هنگامه بحران ارزش‌ها، ارزش‌های اساسی یک جامعه بر لذت طلبی، تمتع‌آنی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی، ماده‌گرایی و ابزارگرایی استوارند و انسان‌ها صرفاً به تمتع می‌اندیشند و مصالح خویشتن را در نظر می‌آورند و حتی، ارتباطات انسانی نیز از این شرایط تأثیر می‌پذیرند. روابط انسان‌ها از بعد معنوی تهی می‌شود و صرفاً در راه التذاذ آنی است. این نوع روابط، بسیار سست و آسیب‌پذیر و شکننده‌اند و به محض آن‌که مصلحت دیگری روی نماید یا بر اثر مرور زمان یا عوامل دیگر، رابطه‌ها از درون تهی شده و به بهانه‌های مختلف می‌شکند، در این شرایط روابط زوجیت نیز از این قاعده مستثنی نبوده و آمار طلاق روزبه روز افزایش خواهد یافت (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۷).

بروس کوئن معتقد است این یک واقعیت است که میزان طلاق در جوامع نوین زیاد شده است. این وضعیت از جامعه و ارزش‌های متغیر ما سرچشمه می‌گیرد تا از گسیختگی و تباهی خانواده، به عنوان یک نهاد اجتماعی. امروزه، از انواع کارکردهای خانواده در گذشته کاسته شده است و زن و شوهر برای تأمین نیازمندی‌ها و خدمات خود به خانواده متکی نیستند و گسست پیوند زناشویی، آن‌هم در یک محیط زناشویی ننگ نیست (کوئن، ۱۳۹۳: ۱۶۳).

۵. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش با توجه به شرایط تحقیق که احتیاج به جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن‌ها دارد از روش تحقیق کیو (Q) استفاده شده است. برخلاف پژوهش‌های پیمایشی که پاسخ‌دهندگان به گونه‌ای انتخاب می‌شوند که معرف جمعیت آماری مورد نظر باشند؛ در روش کیو پاسخگویان به گونه‌ای انتخاب می‌شوند که دارای ویژگی مشترکی باشند؛ ولی گویه‌های پژوهش از بین جمعیت مورد نظر، به ترتیبی انتخاب می‌شوند که معرف آن حوزه مورد نظر باشند؛ پس از جمع‌آوری گویه‌ها، قضاوت نهایی ۲ یا ۳ نفر در خصوص متناسب بودن گویه‌ها ضروری است (بدیعی، ۱۳۸۱: ۱۶۳).

در این پژوهش نیز همانطور که اشاره شد، ابتدا تمامی گویه‌های انتخاب شده، پس از تأیید، بین چند نفر از صاحب‌نظران و مدیران حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ به منظور تعیین تناسب گویه‌ها با موضوع مورد بررسی، توزیع شد و مورد تأیید آنان قرار گرفت؛ سپس برای انتخاب پاسخ‌دهندگان، ابتدا ۵۰ نفر از متخصصان، فعالان و صاحب‌نظران حوزه

آسیب‌های اجتماعی شهرستان شناسایی شد؛ سپس با توجه به شاخصه‌های چون: انجام پژوهش، چاپ کتاب و نگارش مقاله مرتبط و مدیریت در حوزه مورد نظر؛ همچنین نظرخواهی از چهره‌های متعدد فرهنگی، تعداد ۴۰ نفر با نگرش‌های متفاوت برای پاسخ‌گویی به گویه‌ها انتخاب شدند.

در این پژوهش، ابتدا از روش مطالعه اسنادی، ایمیل، مرور اخبار رسانه‌های گروهی؛ از جمله: روزنامه‌ها و مجلات، تلویزیون، سایت‌های مرتبط اینترنتی؛ همچنین پژوهش‌های انجام شده قبلی، تعداد ۱۸ متغیر احتمالی وقوع طلاق شناسایی گردید؛ سپس فهرست این عوامل در اختیار تعدادی از داوران که مشتمل بر مدیران، صاحب‌نظران و متخصصان حوزه آسیب‌های اجتماعی (طلاق)، قرار داده شد. حاصل نظرات آنها در قالب یک پرسش‌نامه، در اختیار تعدادی از افراد نمونه قرار گرفت تا ابهامات آن رفع گردد. پس از ارزیابی و جمع‌بندی فضای گفت‌وگو، از بین ۱۴۵ عبارت کیو در نهایت ۱۰۳ عبارت برای نمونه عبارات کیو با نظر سنجی از خبرگان انتخاب گردید. پس از جمع‌آوری اطلاعات حاصل از مرتب‌سازی کیو، این اطلاعات با روش تحلیل عاملی کیو تحلیل شدند. هر یک از گویه‌ها به طور جداگانه بر روی کارت‌های همانند و هم شکل نوشته شد. همچنین جهت کسب اطمینان از روایی محتوایی، علاوه بر اینکه عبارات حاصل از مصاحبه‌ها با عبارات به‌دست‌آمده از مبانی نظری تحقیق مقایسه و ارزیابی شد، پس از اخذ نظرات آنها پرسش‌نامه نهایی، تدوین و در اختیار نمونه گذاشته شد. در نهایت پرسش‌نامه عوامل فرهنگی دارای ۱۳ عامل بود. سوال اصلی مورد بررسی در پژوهش حاضر آن است که از دیدگاه صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه آسیب‌های اجتماعی، چه عوامل فرهنگی در شهرستان بروجرد بر وقوع پدیده طلاق تأثیرگذار بوده و اولیت‌بندی این عوامل به چه صورتی است؟ جهت پردازش داده‌ها از آمار توصیفی؛ شامل: محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده شد. سپس در بخش آمار استنباطی، از آزمون دلبلیوکندال استفاده گردید.

۶. یافته‌های تحقیق

در ابتدای مصاحبه‌ها از شرکت کنندگان در مورد مشخصات کلی خودشان نظیر: سن، میزان تحصیلات، وضعیت شغلی، رشته تحصیلی سوال‌هایی پرسیده شده است که جزئیات آن در جدول شماره یک آورده شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت کنندگان پژوهش

متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۸
	زن	۱۲
تحصیلات	کارشناسی ارشد	۲۰
	دکتری	۱۵
	حوزوی	۵
سن	۳۵ تا ۴۵ سال	۱۳
	۴۶ تا ۵۵ سال	۲۲
	۵۶ سال و بالاتر	۵
شغل	استاد دانشگاه	۱۲
	قاضی	۵
	روان‌شناس	۸
	مشاور خانواده	۹
	وکیل	۶
رشته تحصیلی	جامعه‌شناسی	۴
	علوم تربیتی	۵
	روان‌شناسی	۸
	مددکاری اجتماعی	۶
	حقوق	۱۲
	حوزوی	۵
جمع کل	۴۰	۱۰۰٪

۱.۶ تحلیل عاملی کیو

پس از این که تمامی نمودارهای کیو تکمیل شدند، برای انجام تحلیل عاملی، داده‌ها به صورت مناسب برای ورود به نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ آماده شده و مورد تحلیل عاملی قرار گرفتند. در این پژوهش برای تحلیل عاملی از روش ریاضی مولفه‌های اصلی و برای چرخش عامل‌ها از روش واریمکس استفاده شده است. بر اساس روش تحلیل شاخص‌های اصلی و چرخش به شیوه واریمکس و با توجه به ماتریس عاملی و درصد واریانس تبیین شده از مجموع ۱۰۳ گویه، ۱۳ عامل استخراج گردید که این ۱۳ عامل روی هم ۸۲/۴۴ درصد واریانس متغیر طلاق را پوشش داده‌اند.

جدول ۲. مقدار ویژه و درصد واریانس انباشته عامل‌های چرخیده

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی واریانس
۱	۴/۸۹	۱۱/۱۷	۱۱/۱۷
۲	۴/۱۲	۱۰/۲۸	۲۱/۴۵
۳	۴/۰۱	۹/۹۸	۳۱/۴۳
۴	۳/۹۳	۸/۸۴	۴۰/۲۷
۵	۳/۹۰	۷/۴۲	۴۷/۶۹
۶	۳/۸۸	۶/۵۲	۵۴/۲۱
۷	۳/۱۸	۵/۴۱	۵۹/۶۲
۸	۲/۹۰	۵/۱۱	۶۴/۸۳
۹	۲/۴۴	۴/۱۴	۶۸/۸۷
۱۰	۲/۲۲	۳/۹۵	۷۲/۸۲
۱۱	۲/۱۴	۳/۴۲	۷۶/۲۴
۱۲	۲/۰۱	۳/۱۹	۷۹/۴۳
۱۳	۱/۸۷	۳/۰۱	۸۲/۴۴

به منظور رتبه‌بندی عوامل فرهنگی وقوع طلاق، از آزمون دلیوکندال استفاده گردید. این آزمون به عنوان یک ضریب توافق، به سنجش میزان توافق رتبه‌ها در بین پاسخ‌دهندگان می‌پردازد. این آزمون؛ علاوه بر معناداری تفاوت یا عدم تفاوت میانگین رتبه، به اولویت‌بندی نیز می‌پردازد؛ به عنوان مثال، این آزمون نشان می‌دهد ارزیابی گستره محتوایی عوامل فرهنگی وقوع طلاق به چه صورتی است؟ و تأثیر کدام دسته از عوامل

فرهنگی بر وقوع طلاق در شهرستان بروجرد، بیشتر و کدام دسته از عوامل کمتر است؟ رتبه‌بندی عوامل فرهنگی وقوع طلاق براساس میانگین آن‌ها در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول ۳. نتیجه آزمون دلیو کندال؛ رتبه‌بندی عوامل فرهنگی وقوع طلاق براساس میانگین آنها

ردیف	عوامل فرهنگی	میانگین رتبه ای
۱	دامن زدن خانواده‌ها و اطرافیان به اختلافات	۹/۲۵
۲	عادی بودن موضوع طلاق	۷/۷۰
۳	تجمل‌گرایی و چشم و همچشمی	۷/۶۶
۴	دخالت‌های بی‌مورد خانواده، اقوام و دوستان	۷/۵۳
۵	تفاوت‌های فرهنگی و طبقاتی	۷/۳۴
۶	ضعف باورهای مذهبی	۶/۹۹
۷	تقابل ارزش‌های سنتی و مدرن	۶/۹۴
۸	توقعات بیجا و غیر منطقی	۶/۸۱
۹	اختلاف بر سر وضع ظاهری و نوع پوشش	۶/۷۵
۱۰	ازدواج اجباری	۶/۴۰
۱۱	نداشتن یا محدود کردن رفت و آمد با اطرافیان	۶/۲۳
۱۲	حمایت بیش از اندازه و بیجای خانواده	۶/۲۱
۱۳	تعصبات قومی	۵/۲۰

جدول شماره (۳) رتبه‌بندی عوامل وقوع فرهنگی طلاق براساس میانگین آن‌ها را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد؛ مطابق بر یافته‌های پژوهش، اولین عامل تاثیرگذار در ارتباط با وقوع پدیده طلاق، عامل دامن زدن خانواده‌ها و اطرافیان به اختلافات با میانگین ۹/۲۵ درصد می‌باشد. یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های زوج‌های جوان مقابله با دخالت والدین و اطرافیان خواه از ناحیه خانواده زن و یا از ناحیه خانواده شوهر در زندگی مشترک آنان در زمان نامزدی و بعد از ازدواج است. یکی از علت‌های ایجاد اختلاف بین زوج‌های جوان، مداخله‌های نابجای پدر، مادر، برادر، خواهر، دوست و سایر خویشاوندان و اطرافیان آنان ولو با نیت خیرخواهی، سعادت و خوشبختی در زندگی مشترکشان می‌باشد که بسیار آسیب‌زننده می‌باشد.

دومین عامل اثرگذار، عادی بودن موضوع طلاق با میانگین ۷/۷۰ می باشد که به نظر می‌رسد بزرگترین خطر، عادی شدن این آسیب بزرگ اجتماعی در سطح مردم و آحاد جامعه است و اگر این موضوع در سطح جامعه به یک موضوع عادی تبدیل شود، طبیعتاً جامعه را با مشکلات و دشواریهای فراوان مواجه خواهد نمود.

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل موثر بر طلاق از منظر صاحب نظران که آفت مهم سبک زندگی خانوادگی بشمار می‌رود و در شیوه‌های مصرف و اقتصاد خانواده تأثیر مستقیم دارد، تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی است. بررسی‌ها نشان داده برخی از اختلافات در پرونده‌های طلاق، نشأت گرفته از تجملات و هزینه‌های غیر ضروری است که زوجین انجام می‌دهند. مفهوم تجمل‌گرایی در بعد مرضی خود با مفاهیمی مانند ریخت‌وپاش کردن، هدر دادن ثروت، دنیازدگی، مصرف‌گرایی و حتی چشم و هم‌چشمی پیوند می‌خورد. در این میان از همه مهم‌تر این است که انسان در زندگی‌اش دچار یک جور تقلیدگرایی می‌شود و تمام انسانیت، عزت نفس و معنویتش تقلیل داده می‌شود به نوع مصرف کالاهای مادی. علل تجمل‌گرایی را می‌توان در سطح خرد نظیر نحوه‌ی تصور از خود و سطح کلان نظیر تعاملات اجتماعی فرد با دیگران و احساس حقارت در روابط اجتماعی شناسایی کرد.

یکی از مباحث مهم در جامعه‌شناسی خانواده تفاوت‌های موجود میان زوجین و تأثیری است که این تفاوت‌ها در زندگی خانوادگی و چندوچون آن دارند. جای تردید نیست که هر فرد، گروه، قشر، و جامعه‌ای تفاوت‌هایی کم‌یابیش با سایر افراد، گروه‌ها، قشرها و جوامع دارد. وقتی جامعه‌شناسان سخن از طبقه اجتماعی می‌گویند، به گروهی از افراد اشاره دارند که جایگاه مشابه و یکسانی را در سلسله‌مراتب نظام اجتماعی، اقتصادی و یا خانوادگی دارند. تفاوت طبقاتی و فرهنگی ممکن است اختلافاتی را در زندگی زناشویی برای زوجین به وجود آورد که گاهی زندگی آن‌ها را به نابودی و جدایی سوق می‌دهد. یکی از مهم‌ترین ابعاد هر فرهنگی برای فرد تازه‌وارد، انتظاراتی است که افراد از او دارند. به صورت معمول نیز در غالب خرده فرهنگ‌ها، سنت‌های ویژه و البته انتظاراتی مشخص از عروس و یا داماد وجود دارد. گاهی اوقات افراد به دلیل ناآگاهی از انتظاراتی که خانواده همسر از آنها دارند، باعث دلخوری‌ها و سوء تفاهماتی می‌شوند که مدیریت تبعات آن بسیار دشوار است.

از دیگر موضوعات بسیار مهم مد نظر جامعه مورد مطالعه پژوهش حاضر، ضعف باورهای مذهبی در وقوع طلاق است. دین به عنوان پدیده‌ای آسمانی و نظامی بهم پیوسته و متشکل از باورها و اعمال در ارتباط با مقدسات؛ منبع اولیه معنابخشی و هویت‌بخشی برای بسیاری از مردم دنیا محسوب می‌شود. در واقع دین موجب ثبات، آرامش، امنیت، استمرار و پایداری خانواده می‌شود. کم‌رنگ شدن باورها و اعتقادات مذهبی موجب بروز ناهنجاری‌های رفتاری و اخلاقی در خانواده و جامعه می‌گردد و ثبات و امنیت فرد، خانواده و جامعه را به خطر می‌اندازد. بر این مبنا معنویت‌گرایی و پایبندی نگرشی و عملی به ارزش‌های مذهبی با افزایش همبستگی بین والدین و فرزندان، ضمن ممانعت از فرسایش روحی و روانی آنان از طریق افزایش توانمندی و بهبود عملکرد اجتماعی آنان در قبال تکالیف، تعهدات و حل چالش‌های اجتماعی، به ارتقای سلامت اجتماعی آنان می‌انجامد.

کارشناسان و متخصصان مورد مطالعه در این پژوهش یکی از عوامل فرهنگی طلاق را تقابل ارزش‌های سنتی و مدرن می‌دانند. جوامع گذشته، جوامع سنتی بوده‌اند اما جوامعی که امروز وجود دارند به دو دسته مدرن و در حال گذار تقسیم می‌شوند. جوامع در حال گذار جوامعی هستند که بخشی از آنها مدرن و بخشی سنتی است. این جوامع به مرور با مدرنیزاسیون به سوی مدرنیته پیش می‌روند. و معمولاً با بحران دست به گریبان هستند؛ زیرا ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای سنتی به سرعت رنگ باخته‌اند و از سوی دیگر ارزش‌ها و هنجارهای مدرنیته نیز در جامعه نهادینه نشده‌اند. این معمای ناگشوده در نظام خانوادگی همچون نظام‌های دیگری خودنمایی می‌کند. در تحلیل رابطه بین سنت و مدرنیته با محوریت ارزش‌های سنتی و مدرن، برخی اندیشمندان بر این باورند که در فرآیند تحقق مدرنیته بعضی از عناصر سنتی ساختار فرهنگی جامعه در هم شکسته می‌شوند. با توجه به اینکه جامعه ما آهنگ توسعه و تحول را با سرعتی زیاد در پیش گرفته است از اینرو یکی از آسیب‌ها و پیامدهای تقابل سنت و مدرنیته طلاق می‌باشد.

یافته‌های تحقیق حکایت از تاثیر ازدواج‌های تحمیلی و نقش آن در طلاق دارد. گرچه از ازدواج و تشکیل خانواده بعنوان یکی از مهمترین اتفاقات زندگی هر فرد یاد می‌شود که هدف از انجام آن رفع نیازهای طبیعی و رسیدن به آرامش روحی در کانون گرم خانواده می‌باشد اما در میان یکی از عواملی که نظم و امنیت درونی خانواده و جامعه را تهدید می‌کند، وقوع ازدواج‌های اجباری است. ازدواج اجباری یا تحمیلی، نوعی از پیوند

واکاوی عوامل فرهنگی موثر بر وقوع طلاق با ... (غلامرضا تاج‌بخش) ۱۷

زناشویی رسمی است که در این پیوند، رضایت و اراده زوجین یا یکی از آنها نادیده انگاشته شود و برای برقراری این ارتباط و پیوند از انواع فشارهای جسمانی یا روانی استفاده می‌شود. در این ازدواج هر کدام از زوجین بر خلاف رضایت و انتخاب خویش با فردی ازدواج می‌کنند و همین عامل باعث اختلاف و تنش در درون خانواده، طلاق عاطفی، ارتباطات نامشروع، قتل و همسرکشی و ... در نهایت می‌تواند عامل تهدید کننده امنیت اجتماعی و افزایش نرخ وقوع جرائم گردد. داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بخشی از علل ایجاد تنش در خانواده و گسست خانواده بدلیل ازدواج‌های تحمیلی هستند.

از نگاه صاحب نظران جامعه هدف پژوهش حاضر، تعصبات قومی و خودبرتربینی قومی در امر طلاق تاثیر دارد. تعصب یکی از بیماری‌های مهلک و مخرب نهاد خانواده است که خیلی از فرصت‌ها را از افراد سلب می‌کند. تعصب به عقاید یا نگرش‌های یک گروه یا فرد درباره گروه و فرد دیگر گفته می‌شود، تعصب متضمن داشتن عقاید از پیش تصور شده درباره یک فرد یا گروه است که اغلب بر مبنای شنیده‌هاست نه مدارک و شواهدی عینی و مستقیم؛ عقایدی که حتی به رغم اطلاعات جدید، در برابر تغییر مقاوم‌اند. تعصبات قومی در لرستان از شهری به شهر دیگر متفاوت است و شدیداً تحت تاثیر شرایط اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی و خانوادگی حاکم بر روابط انسان‌هاست. به منظور بررسی تفاوت میانگین رتبه ارزیابی عوامل فرهنگی وقوع پدیده طلاق از آزمون دلبیو کندال استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۴ نمایش داده شده است.

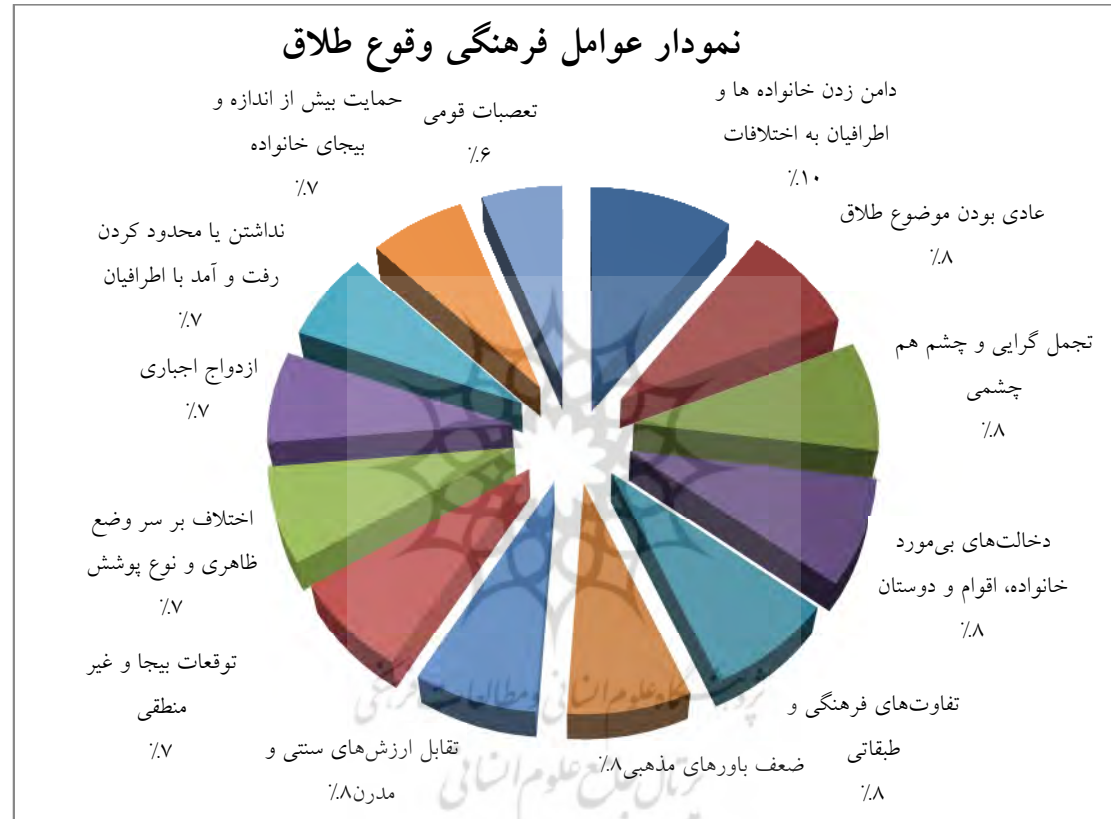
جدول ۴. تفاوت میانگین رتبه ارزیابی عوامل فرهنگی

مقادیر	آماره
۰/۷۱	آزمون کندال (kendall)
۳۳/۸۹۴	کای اسکوار (chi-squar)
۱۲	درجه آزادی (df)
۰/۰۰۱	سطح معناداری (sig)

جدول شماره (۴) آزمون دلبیو کندال جهت بررسی تفاوت میانگین رتبه ارزیابی عوامل فرهنگی وقوع پدیده طلاق را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد؛ با توجه به

مقدار آزمون کای اسکوئر (۳۳/۸۹۴)، می‌توان نتیجه گرفت که نمره میانگین رتبه ارزیابی متخصصان و صاحب‌نظران حوزه آسیب‌های اجتماعی و طلاق، از عوامل وقوع پدیده طلاق در شهرستان بروجرد متفاوت است و این تفاوت با توجه به سطح معناداری آزمون ($P < 0/05$) می‌توان چنین استنباط کرد که این تفاوت در سطح ۹۹ معنادار است. مقدار آزمون کندال (۰/۷۱) نیز بیانگر میزان توافق ۷/۱ درصدی بین صاحب‌نظران است.





نمودار ۱. رتبه بندی عوامل فرهنگی وقوع طلاق براساس میانگین آنها

۷. بحث و نتیجه‌گیری

عوامل فرهنگی بعنوان نظامی پیچیده و درهم تنیده ای از دوران پیشا ازدواج تا هنگامه انتخاب و تشکیل خانواده و پسا ازدواج و هنگام فرزندآوری در روند تعالی، پایداری و موفقیت زندگی مشترک زوجین و یا بر عکس، تزلزل و نابودی آن نقش تعیین کننده ای ایفا می کنند. طلاق در زمره غم انگیزترین مسائل روانی اجتماعی است که عامل مهم از هم گسیختگی ساختار خانواده، یعنی بنیادی ترین بخش جامعه است و فروپاشی آن آسیب ها و مخاطراتی را برای زوجین و خانواده های آنان به همراه دارد.

نهاد خانواده از مهمترین نهادهای اجتماعی در جوامع محسوب می شود که دوام و قوام آن باعث پیشرفت جامعه در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می شود. نظریه پردازان بی سازمانی اجتماعی بر این باور هستند که عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی، کاهش انسجام سستی اجتماعی، جرایمی نظیر قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد و طلاق را در جامعه افزایش می دهند.

پژوهش حاضر، نتیجه مطالعه در بین ۴۰ نفر از مردان و زنان صاحب نظر و دست‌اندرکار حوزه طلاق شهرستان بروجرد می باشد. منظور از این مطالعه؛ شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر وقوع طلاق در شهرستان بروجرد بوده که به روش کیو (Q)، انجام گرفته است.

طبق یافته های آزمون دلبلیو کندال؛ از دیدگاه متخصصان و صاحب نظران عرصه طلاق رتبه بندی موثرترین زیرمقیاس های عوامل فرهنگی وقوع طلاق براساس میانگین آنها عبارتند از: دامن زدن خانواده ها و اطرافیان به اختلافات، عادی بودن موضوع طلاق، تجمل گرایی و چشم و همچشمی. همچنین کم اثرترین عوامل فرهنگی در وقوع طلاق به ترتیب و براساس میانگین آنها عبارتند از: حمایت بیش از اندازه و بیجای خانواده، نداشتن یا محدود کردن رفت و آمد با اطرافیان، تعصبات قومی. این یافته ها با پژوهش های روشنی و همکاران (۱۳۹۸)، فیروزجائیان گلوگاه و همکاران (۱۳۹۷)، ریجاوک کلوبکار و سیمونیک (۲۰۱۸) و آپوستولو و همکاران (۲۰۱۶) همگرایی دارد.

با توجه به یافته های پژوهش حاضر مبنی بر اینکه اختلافات فرهنگی بین زوجین عامل مهمی در طلاق می باشد ضرورت دارد اصل همسان همسری در سطوح مختلف آن

موردتوجه جدی خانواده‌ها قرار گیرد زیرا هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و مرد محکم‌تر باشد، خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کم‌تر است. به طور کلی، هر قدر درجه همگونی همسران بیشتر باشد، زناشویی آنان استوارتر و پایدارتر است.

هم‌چنین نتایج حاکی از آنست که ضعف در باورهای مذهبی در مسئله طلاق تأثیر دارد. دین‌داری یکی از ارکان اساسی زندگی سعادت‌مندانه است و تقویت معنویت و اخلاق اسلامی، حیا و عفاف، پرهیز از مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی و دوری از سبک زندگی غربی در اصلاح مشکلات خانواده و اجتماع بسیار موثر و حیاتی است. بنابراین توجه به ارزش‌های دینی و مذهبی و تعریف دقیق و مشخص جایگاه و نقش زن و مرد براساس آموزه‌های دینی و توجه به خانواده اسلامی نقش اساسی در پیشگیری از وقوع طلاق در جامعه را بر عهده دارد.

یکی از یافته‌های پژوهش لذت‌گرایی و به تبع آن خودپسندی و فخرفروشی بود. در سطح خرد، یکی از مهم‌ترین علل تجمل‌گرایی افراطی در نهاد خانواده به نحوی تصور فرد از خود بر می‌گردد. افرادی که تصورشان از خودشان مثبت نبوده و یا از عزت نفس کافی برخوردار نیستند، بیشتر از سایرین به سمت این رفتارهای مریض‌وارانه متمایل می‌شوند.

مطابق با دیدگاه دنیس جودله؛ تصور اجتماعی می‌تواند وسیله‌ای باشد که توسط آن کنش انسان را هدایت کرده، موقعیت او را در جامعه و در نتیجه، عکس‌العمل انسان در رابطه با مسائلی که در جامعه با آنها روبرو می‌شود را مشخص می‌کند. زمانی که ما با محیط اطراف خود ارتباطاتی برقرار کردیم، به دنبال آن، ارتباطات تصورات اجتماعی را می‌سازد و سپس، تصورات اجتماعی، روابط بین انسان‌ها را هدایت می‌کند. در واقع، هر تصویری، رفتاری را در پی خواهد داشت. این است که تصورات، چگونگی ارتباطات ما را نیز کنترل و هدایت می‌کند. به همین ترتیب تصوراتی که انسان‌ها از طلاق دارند نیز با یک‌دیگر متفاوت است. پدیده طلاق از نظر برخی بسیار ناگوار و از نظر برخی دیگر چندان هم ناگوار نیست. و این تصور گرایش هر فرد را به طلاق، متفاوت از دیگری تعیین می‌کند.

با توجه به جامعه در حال گذار کشور و تقابل ارزش‌های سنتی و مدرن در نهاد خانواده و جنگ نرم دشمن که با ابزاری همچون ماهواره و شبکه‌های اجتماعی مجازی و... در جهت تقدس‌زدایی نهاد خانواده و ارزش مند نمودن پدیده طلاق تلاش می‌نماید ضرورت ایجاد می‌نماید صدا و سیما بعنوان یک دانشگاه ملی پرمخاطب از طیف‌ها و

قشرهای مختلف نقش بسزایی در آگاه‌سازی و آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی جوانان و خانواده‌ایفا نماید و در بستر سازی جهت قبح‌زدایی و بالا بردن حساسیت عمومی جامعه و با تولید برنامه‌های مناسب در زمینه پیشگیری از طلاق پیشگام شود. با توجه به این که در پژوهش حاضر، رابطه بین دخالت خانواده‌ها در زندگی زوجین و وقوع طلاق به اثبات رسیده است و این نتایج با تحقیقات پیشین ذکر شده در این مقاله هم‌سو می‌باشد پیشنهاد می‌گردد؛ زمینه‌های عملی کاهش حضور و دخالت‌گرایانه خانواده و اطرافیان در زندگی زوجین که در بسیاری موارد به نیت حل مساله انجام می‌گیرد، فراهم گردد و در مقابل زمینه‌های افزایش حضور کارشناسان مجرب و توانمند خانواده برای ارائه مشاوره به زوجین دارای اختلاف، و حتی زوجینی که درصدد بهتر کردن روابط خوب بین خود هستند، بیش از پیش فراهم گردد.

کتاب‌نامه

- بهرامی، فاطمه، مظاهری، مصطفی، گودرزی، کوروش و صادقی، مسعود (۱۳۹۸). مطالعه کیفی علل طلاق توافقی به روش تحلیل مضمون، فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی، سال چهارم، شماره ۵۶، ۱-۲۹.
- بدیعی، نعیم (۱۳۸۱). روش‌شناسی کیو. Q. سالنامه پژوهش و ارزشیابی در علوم اجتماعی و رفتاری، جلد اول، به کوشش حسین رحمان سرشت، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- برناردز، جان (۱۳۸۴). درآمدی به مطالعات خانواده. ترجمه: حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سمت.
- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۳۹۹). بررسی عوامل فردی موثر بر طلاق، فصلنامه جمعیت، ۱۵۱-۱۷۹.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۶). طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- فیروزجانیان گلوگاه، علی اصغر، صادقی، سهیل (۱۳۹۷). فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در ایران، مطالعات زن و خانواده، سال ششم، شماره ۲، ۱۱۱-۱۴۳.
- گواهی، زهرا (۱۳۷۳). بررسی حقوق زنان در مسئله طلاق. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- گود، ویلیام (۱۳۵۲). خانواده و جامعه. ترجمه ویدا ناصحی، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب.

واکاوی عوامل فرهنگی موثر بر وقوع طلاق با ... (غلامرضا تاج‌بخش) ۲۳

روشنی، شهره، تافته، مریم، خسروی، زهره (۱۳۹۸). فراتحلیل پژوهش‌های طلاق در ایران در دو دهه اخیر (۱۳۷۷-۱۳۹۷) و ارائه راهکارهای کاهش طلاق، زن در توسعه و سیاست، دوره هفدهم، شماره ۴، ۶۷۴-۶۵۳.

عسکری ندوشن، عباس، شمس قهفرخی، مهری، شمس قهفرخی، فریده (۱۳۹۸)، تحلیلی از مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی مرتبط با طلاق در ایران، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۲، ۱-۱۶.

عباسی اسفنجیر، علی اصغر، خان محمدی اطاقسرا، ارسلان (۱۳۹۷). بررسی علل طلاق و رابطه آن با امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۶، ۱۶۹-۱۳۱.

لوزیک، دانیل (۱۳۸۳). نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی. ترجمه سعید معیدفر، تهران، امیرکبیر. محقق داماد، محسن (۱۳۷۸). بررسی فقهی - حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن. مرکز نشر علوم اسلامی.

Rijavec Klobučar, N., & Simonič, B. (2018). Risk factors for divorce in Slovenia: A qualitative study of divorced persons' experience. *Journal of Family Studies*, 24(3), 291-306.

Apostolou, A., Chari, I., Lefkides, T., & Khalil, M. (2016). Parent-offspring conflict over mating: The case of divorce. *Personality and Individual Differences*, 99, 286-294.

Aghajanian, A. & Thompson, V. (2013) "Recent Divorce Trend in Iran". *Journal of Divorce & Remarriage*, 54(2): 112-125.

Chan Hsin Chelen, S. & sarif Mustaffa. M. (2010). Divorce in Malaysia. Faculty of Education, University Technology Malaysia. 81310. Skudai, johor. P26.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی